

## اهداف و روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام

غلامحسین میکائیلو<sup>۱</sup>

خلیل سلطان القرائی<sup>۲</sup>

### چکیده

با توجه به اعتقاد ما مسلمان به معاد و سرانجام هستی، آشنایی با اهداف و روش های تعلیم و تربیت در اسلام از ضرورت های غیر قابل انکار برای هدایت صحیح افراد جامعه به سوی مسیر سعادت است؛ چرا که بدون شناخت کافی از اهداف و روش های تعلیم و تربیت اسلامی، امکان انحراف افراد از مسیر پر پیچ و خم زندگی دنیوی برای رسیدن به آخرت وجود دارد. به همین دلیل خداوند متعال با فرستادن انبیای الهی، حجت را بر مردم تمام و مسیر هدایت را مشخص کرده است. تعیین اهداف و روش های لازم برای رسیدن به آن از اتلاف وقت، اضطراب و سردرگمی افراد در انتخاب مقصد و مسیر زندگی می کاهد و فرد با آرامش و اطمینان به کمال نهایی خود یعنی قرب الهی نزدیک می شود. در این مقاله که به روش مطالعه اسنادی صورت گرفته، سعی شده تا اهداف تعلیم و تربیت اسلامی در سطوح مختلف و راهکارهای لازم برای رسیدن به آنها بیان گردد. با توجه به نتایج پژوهش، اهداف تعلیم و تربیت در اسلام دارای مراتب مختلف شامل اهداف غایی (عبودیت، قرب و رضوان الهی و حیات طیبه) و اهداف واسطه ای (محوریت توجه به خدا، فرد، دیگران و طبیعت) هستند که در نهایت تمامی آنها برای حصول به اهداف غایی تنظیم شده اند. در ضمن روش های تربیت اسلامی (زمینه سازی تربیتی، تلفیق علم و عمل، الگودهی، مباحثه ای، توجه به تفاوت های فردی، عقلانی، مشاهده، امر به معروف و نهی از منکر، پاداش و تنبیه، عادت، مرحله ای و تجدید نظر در تکالیف) وابسته به شرایط زمانی، مکانی و تفاوت های فردی، متنوع است.

**کلید واژه ها:** تعلیم و تربیت اسلامی، اهداف غایی، اهداف واسطه ای، روش ها.

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه تبریز (gh.m.1359@yahoo.com).

۲. استاد فلسفه دانشگاه تبریز (soltantabriz@yahoo.com).



## مقدمه و بیان مسئله

تعلیم و تربیت یکی از نیازهای ضروری انسان‌ها برای قرار گرفتن در مسیر صحیح زندگی است. تحقق هدف آفرینش انسان تنها در پرتو تعلیم و تربیت مسیر است. به این منظور خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرده پیامبرانی را با دلیل روشن و احکام و قوانین محکم برانگیخت و رسالت تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد (صالحی، یار احمدی ۱۳۸۷: ۲۴). اولین شرط هماهنگی فعالیت‌های تربیتی، داشتن هدف و مقصد است که باید برنامه‌ها و فعالیت‌های مربوط را هدایت کند. لازم است هدف غایی تعلیم و تربیت بطور کلی و به ویژه برای افرادی که در تنظیم برنامه‌های مربوطه نقشی برعهده دارند روشن باشد و هدف تربیت افراد در هریک از مراحل رشد نیز به صراحت تعیین و به مریان اعلام گردد. تعیین اهداف واسطه‌ای برای نیل به هدف‌های غایی نیز علاوه بر اینکه وسیله مناسبی برای ایجاد هماهنگی لازم در فعالیت‌هاست، شرط امکان ارزشیابی نتایج فعالیت‌ها نیز می‌باشد. اگرچه تعیین هدف‌های غایی و واسطه‌ای گرچه لازم است، ولی کافی نیست. علاوه بر آن باید روش‌هایی که در هر موقعیت تربیتی با توجه به موضع خاص مورد تربیت و مقتضیات محیط و با در نظر گرفتن هدف‌ها، نیاز است مشخص باشد تا کوشش‌هایی که بدین منظور صورت می‌گیرد، از صورت تصادفی و پراکنده خارج شود (شکوهی، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۴). به همین منظور برای ارائه طرحی نو برای نظام آموزش و پرورش جامعه خویشتن و رهایی از حصار فلسفه‌های تربیتی وارداتی فرنگی، چاره‌ای جز بازگشت به میراث غنی و اصیل تعلیم و تربیت اسلامی نیست. هرچند به تبعیت از رهنمودهای قرآن و سنت، ضمن دوری از پذیرش غیر محققانه و نامتقدانه دستاوردهای گذشتگان، چشم و گوش خود را بر دستاوردهای علمی نبسته، بلکه باید با تکیه بر عیار عقل، برهان و منطق، بر اساس حق محوری و حق‌پذیری به سوی کشف و خلق اندیشه‌ها و نظریه‌های نو حرکت کنیم (بهشتی ۱۳۹۰: ۱۴۷). اسلام به عنوان نوعی جهان بینی خاص و قابل توجه، مورد مطالعه و تحقیق علمی اندیشمندان معروف قرار گرفته است. به خصوص در نیمه دوم قرن

بیستم، اسلام همچون یک دیدگاه عملکردی پیشرفته در تحولات جهانی مطرح شده است و متفکران متعددی در سطح جهان پس از بررسی بی طرفانه این دین الهی به صراحت می گویند که "ایمان و عمل به اصول و مقررات دین اسلام تنها راه نجات انسان معاصر از بحران های گوناگون روان شناختی، جامعه شناختی و اقتصادی است" (شعاری نژاد، ۱۳۹۰: ۶۵۷). هریک از رویکردهای مدرنیسم و پست مدرنیسم، نارسایی های متعددی اغلب در مبانی نظری و مفروضه های بنیادین دارند. بنابراین، هرکدام از آنها در ایجاد جریان های بحران زا در جهان معاصر نقش دارند. اما رویکرد تربیت اسلامی ضمن سازگاری با اهداف و آرمان های مثبت و متعالی جهان واحد، سلامتی فرایند جهانی شدن را تضمین کرده، قابلیت پاسخگویی به بحران ها و چالش های مربوط به جهانی شدن را دارد (شمشیری، ۱۳۸۷). اگر تربیت دینی بتواند از نظر محتوا، اجرا و روش ها با نیازهای جدید کودکان و نوجوانان منطبق شود و با خود نوآوری و تازگی به همراه داشته باشد، گام موثری برای جذب نسل جوان به دین و دینداری خواهد برداشت (تقوی نسب و همکاران، ۱۳۸۸).

با توجه به مکاتب فلسفی مختلف (کلاسیک و معاصر) در زمینه تعلیم و تربیت در طول قرون گذشته و معاصر هریک به جنبه ای خاص در زمینه اهداف و روش های تعلیم و تربیت پرداخته اند اما در این مقاله سعی بر آن است که از دیدگاه اسلام، نگرشی نسبتاً جامع به اهداف و روش های تعلیم و تربیت توجه شود؛ به طوری که آنچه در مکاتب مختلف به طور مجزا آمده در دین اسلام یکجا وجود دارد و نیاز افراد انسانی را برای رسیدن به کمال در تمام ابعاد مختلف (عقلی، اجتماعی، عاطفی و جسمانی) فراهم می سازد. از طرفی به دلیل متنوع بودن اهداف و روش ها برای شرایط و زمان های مختلف از قابلیت انعطاف برخوردار است. بنابراین ضرورت توجه به اهداف و روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام دو چندان می شود. در این پژوهش به مطالعه اهداف و روش های تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر منابع احکام اسلامی یعنی قرآن مجید، گفتار و کردار پیامبر (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) پرداخته شده است و مزیت آن نسبت به سایر پژوهش ها در این است که اهداف واسطه ای، متناسب با تحول بنیادین



در نظام آموزش و پرورش (که در آن هدف از آموزش هر مفهوم توجه به چهار جنبه خدا، فرد، مخلوق و طبیعت است) در نظر گرفته شده است تا در صحنه عمل به تمام جنبه ها دقت کافی شود. همچنین در ارائه روش های تعلیم و تربیت به اکثر روش های مهم و تاثیرگذار در زمینه های آموزش علوم و مسائل اخلاقی، توجه شده است تا هم به شیوه آموزش مسائل علمی (تعلیم) و هم به شیوه پرورش مسائل اخلاقی (تربیت) پرداخته شده باشد. بنابراین، این مقاله می تواند نمونه نسبتاً کامل و جامعی از اهداف و روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام باشد.

### اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام

اهداف از دیدگاه اسلام در دو بخش اهداف غایی و اهداف واسطه ای بررسی می شود:

#### اهداف غایی

هدف غایی تربیت در هر مکتبی، کمال مطلوب آدمی است و باید تمام فعالیت های او متأثر از آن باشد. هدف غایی از دیدگاه اسلام هدفی است که مطلوبیت آن ذاتی است؛ یعنی آن را برای رسیدن به هدف دیگری نمی خواهیم بلکه خودش موضوعیت دارد. (کاوایی، ۱۳۸۹: ۸۱) ویژگی های هدف های غایی از نظر اسلام که در کل به آن ماهیت خاصی بخشیده است عبارت اند از: همسازی با فطرت، جامعیت، برانگیزندگی، عدم محدودیت و وحدت، هدف نهایی با هدف آفرینش (اعرافی، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۱).

#### اهداف غایی از دیدگاه اسلام

اهداف غایی از دیدگاه اسلام عبارت اند از:

- ۱- عبودیت: هدف اساسی تربیت از دیدگاه اسلام پرستش خدای یگانه است. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند. (الذاریات، ۵۶) خداشناسی و پرستش خدا، بنیان استقرایی است که نه تنها حرکت دائمی انسان را به سوی کمال و رشد تضمین می کند، بلکه به صورتی اطمینان بخش جلوی

انحراف فرد و جمع را نیز می‌گیرد. (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۲۹) پرستش خدا یعنی قدم گذاردن در مسیر توحید، مسیری دائمی و مطمئن که به سوی ابدیت ادامه دارد؛ مسیری که در تمام مراحل، رشد فرد و جمع را تضمین می‌کند. جهان بینی توحیدی به حیات و زندگی، معنی، روح و هدف می‌دهد؛ زیرا انسان را در مسیری از کمال قرار می‌دهد که در هیچ حد معینی متوقف نمی‌شود و همیشه رو به پیش است. جهان بینی است که آدمی را از سقوط در دره هولناک پوچی گرایبی نجات می‌دهد (همان: ۱۳۰-۱۳۱). اثر عبد بودن در هر یک از شئون انسان چنین آشکار می‌شود که در شأن جسمی و غریزی، انسان را از پیروی شهوات باز می‌دارد، در شأن فکری و عقلی او را بر آن می‌دارد که علم را عطیه الهی بداند و مایه خشیت از خدا و در شأن اخلاقی و اجتماعی اراده علو و برتری جویی را از او می‌ستاند، در شأن اقتصادی، او را بر مالک دیدن خدا و در شأن سیاسی بر حاکم دیدن او فرا می‌خواند (باقری، ۱۳۹۰: ۸۲).

۲- **قرب و رضوان:** قرب به معنای نزدیکی به خداست و آشکار است که این نزدیکی، مکانتی است نه مکانی. در قرب، انسان به خدا نزدیک می‌شود، اما خدا همواره به انسان نزدیک است؛ آن هم در برترین حد نزدیکی؛ *وَتَخُنْ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ* (سورقه، آیه ۱۶) ماهیت نزدیکی و دوری انسان به خدا مربوط به رویکرد (توجه) و پشتکرد (عدم توجه) او به خداست (باقری، ۱۳۹۰: ۸۰). مراد از قرب، نزدیکی و ارتباط روحی و معنوی با خداست که ریشه در شخصیت وجود انسان دارد و او را حقیقتاً "به خدا نزدیک می‌کند" (اعرافی، ۱۳۸۷: ۳۵). هر قدر توجه انسان به خدا عمیق تر و پایدارتر باشد و به هر میزان که انسان بیشتر احساس حضور در محضر خدا را داشته باشد، قرب افزون تر می‌شود.

۳- **حیات طیبه:** حیات طیبه یعنی زندگی پاکیزه از انواع آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، عداوت‌ها و دشمنی‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها، انواع نگرانی‌ها و هر چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد. نتیجه این پاکیزگی، تحقق جامعه ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود. جامعه ای که از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار، ظلم، طغیان، بت پرستی و انحصار



طلبی به وجود می آید در امان است. تعبیر "حیات طیبه" در قرآن مجید تنها در آیه ۹۷ سوره نحل آمده است. در این آیه می خوانیم: "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ". هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می بخشیم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد. به طور خلاصه از این آیه و تفاسیر ذیل آن چند نکته قابل برداشت است:

۱- دو رکن اصلی برای برخورداری از حیات طیبه آن چنان که آیه مذکور صراحت دارد ایمان و عمل صالح است؛ دو رکنی که در بسیاری از آیات قرآن کنار یکدیگر ذکر شده اند و از همدیگر قابل تفکیک نیستند.

۲- بر اساس منطق اسلام و قرآن، زن و مرد با وجود تفاوت هایی که از نظر جسم و روح دارند، از نظر شخصیت انسانی و مقامشان در پیشگاه خداوند، کاملاً برابرند و معیاری که بر شخصیت آنها حکومت می کند، یک معیار بیش نیست؛ یعنی ایمان و عمل صالح.

۳- درباره اینکه مراد از "حیات طیبه" و زندگی پاک و پاکیزه چیست در روایات و تفاسیر، مصادیق متعددی نام برده شده است:

در نهج البلاغه آمده که از حضرت علی (ع) پرسیدند، منظور از آیه "فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً" چیست؟ حضرت فرمود:

اما ماهیت حیات طیبه بر اساسی دیگر شواهد عبارت اند از:

الف- قناعت و رضا دادن به مصیبت؛

ب- عبادت توأم با روزی حلال؛

ج- توفیق بر اطاعت از فرمان خدا(پایگاه اطلاع رسانی حوزه).

### اهداف واسطه ای

از آنجا که فلسفه اسلامی واقع گراست، به منظور واقعیت بخشیدن به اهداف آرمانی و نیل افراد جامعه اسلامی به آن، اهداف واسطه ای با الهام از نظریه های انسان شناسی،



شناخت شناسی و به ویژه ارزش شناسی اسلامی تعیین می شوند. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۷: ۲۴۲)

اهداف واسطه ای تربیتی از دیدگاه اسلام را می توان در چهار دسته کلی خلاصه کرد:

الف- هدف های تربیتی که در آنها خدا محور توجه است؛

ب- هدف های تربیتی که در آنها خود فرد محور توجه است؛

ج- هدف های تربیتی که در آنها دیگران محور توجه اند؛

د- هدف های تربیتی که در آنها طبیعت، محور توجه است.

### الف- هدف های تربیتی که در آنها خدا محور توجه است

۱- معرفت خدا: این هدف کلید نیل به هدف نهایی است. شناخت هر چه بیشتر خدا

نقش مهمی در قرب به او دارد. بدون شناخت خداوند تقرب به او امکان پذیر نیست.

حضرت علی (ع) می فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَةُ (معرفت خدا سرآغاز دینداری است).

این جمله محوریت معرفت خداوند را بیان می کند و اینکه بدون معرفت او امکان تدین

وجود ندارد (اعرافی، ۱۳۹۰: ۴۲) و لازمه شناخت خدا، شناخت خود است؛ «مَنْ عَرَفَ

نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»: هرکس ضعف و نیاز نفس خود نسبت به پروردگار خود و بندگی خویش

را در برابر او بشناسد، خدای خود را به قوت و ربوبیت و کمال مطلق و صفات برتر خواهد

شناخت. (کسنزان الحسینی، سایت اینترنتی)

۲- تقوا: تقوا از «وقایه»، و وقایه به معنی حفظ شیء است از آنچه به او زیان برساند. (راغب

اصفهانی، ۱۳۸۷) تقوا عبارت از آن است که نفس، تحت محافظت قرار بگیرد تا به ارتکاب گناه

یا خطا دچار نشود. (باقری، ۱۳۹۰: ۷۸) تقوای دینی و الهی یعنی اینکه انسان خود را از آنچه

از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده خطا، گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده

حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود. هدف اساسی تعلیم و تربیت این است که فرد

را طوری بار آورد که خود، اداره کننده خویشتن باشد، تمایلات یا هوا های نفسانی خود

را تحت واپایش درآورد و از آنچه غیر منطقی یا غیر عقلانی است خود را دور سازد



و از آنچه شایسته انسان بودن اوست، انجام دهد. (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۳۱) به نظر می رسد معنای مناسب برای واژه تقوا، «خودنگهداری» است. در تأیید این نکته که «وقایه» به معنای حفاظت و نگهداری از شرور و آفات است، به چند آیه می توان استناد کرد؛ در آیه ۱۱ سوره انسان آمده است: «فَوْقَهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكِ الْيَوْمِ وَلَقَهْم نَصْرَةٌ وَسُرُورًا»: خدا هم آنان را از شرّ و فتنه آن روز محفوظ داشت و به آنها روی خندان و دل شادمان عطا کرد. همچنین در آیه ۶ سوره تحریم به این نکته اشاره شده است: «قُوَا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»: خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ نگاه دارید.

۳- ایمان: ایمان مفهومی است که حکایت از اعتقاد و باور درونی دارد. ایمان دارای دو رکن اساسی یعنی التزام قلبی و ظهور عملی است. اگر عملی بدون التزام اعتقاد و باور به حقیقت آن از فرد صادر شود نشان ایمان او نیست. همچنین در صورتی که التزام قلبی مجال بروز پیدا نکند و در مقام عمل ظاهر نگردد، بیان نقصان و کاستی در ایمان است. (اعرافی، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۳) هر فردی در تحصیل عقیده و بینش صحیح باید به بررسی ها و تحقیقات جامع و دقیق، در حد توان خود اقدام کرده آزادانه و با استدلال عقایدش را شکل دهد و از تعبد و تقلید در عقاید بپرهیزد. نظام تربیتی اسلام در تحقق این هدف، مسئولیت مهمی بر عهده دارد و باید با برنامه های صحیح آن را عملی سازد. برخی از اهداف اعتقادی عبارتند از:

- شناخت خدا و ایمان به توحید در همه مراتب آن؛
  - ایمان به عدل پروردگار در خلقت و تشریح (آل عمران، آیه ۸)؛
  - ایمان به نبوت انبیا و رسالت حضرت محمد (ص) (الاعراف، آیه ۱۵۸)؛
  - ایمان به امامت و ولایت ائمه معصومین (ع) (صابری یزدی، ۱۳۸۸: ۵۲)؛
  - ایمان به معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان (البقره، آیه ۱۷۷).
- ۴- شکرگزاری: شکر به معنای حق شناسی دارای طیف گسترده ای است که از پایین ترین سطح شکر یعنی زبانی شروع شده و با شکر در مقام عمل، حقیقتی بارزتر می یابد. نعماتی که از جانب خدا به ما اعطا شده است بر ما واجب می سازد به نحوی در برابر او شاکر باشیم.



این حق شناسی به معنای رفع نیاز و احتیاج خداوند نیست؛ زیرا او هیچ احتیاجی ندارد که با رفع آن سرور و بهجتی یابد یا مشکلی از او رفع شود. بنابراین ماهیت شکر گزاری در برابر خداوند مانند حق شناسی در برابر یک معلم دلسوز است؛ با این تفاوت که تمام منفعت ناشی از رعایت حقوق خدا عاید خود ما می گردد و خداوند هیچ نیازی به حق شناسی ما ندارد اما حق شناسی در برابر معلم، در نهایت به نوعی رفع نیاز معنوی او را در بردارد (اعرافی، ۱۳۹۰: ۶۴-۶۳).

### ب- هدف های تربیتی که در آنها خود فرد محور توجه است

۱- **تعلیم حکمت:** کلمه حکمت به معنای سخن منطقی یا معرفت حقیقی است. آموزش سخن منطقی یا معرفت مدلل از لحاظ تربیتی اهمیتی خاص دارد. عده ای از مریبان، تعلیم و تربیت را عبارت از پرورش قوه قضاوت صحیح توأم با دلیل می دانند؛ به سخن دیگر کار مربی این است که به فرد کمک کند تا آنچه را منطقی است بیاموزد و بپذیرد و آنچه را غیر منطقی است رد کند. این مفهوم از تعلیم و تربیت دارای چند خصوصیت اساسی است: اول اینکه معنای آن روشن است؛ دوم اینکه مفهوم قضاوت منطقی از کسب معلومات متمایز است؛ سوم اینکه در هر مرحله از رشد، قابل اجراست. در آیه ۱۵۱ سوره بقره نیز به تعلیم حکمت اشاره شده است: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»: چنانچه ما از میان خود شما رسولی اعزام داشتیم که آیات ما را بر شما بخواند و شما را از آلودگی ها پاک گرداند و به شما کتاب و حکمت و آنچه را نمی دانید تعلیم دهد. اسلام، علم و حکمت را مهم تلقی می کند و رسالت پیامبران را تعلیم حکمت و وظیفه افراد را کسب علم و دانش می داند. (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۱۴۸) در تعلیم و تربیت نوین نیز "پرورش قوه قضاوت صحیح" به عنوان یکی از شیوه های مؤثر در آموزش مطرح است.

۲- **تکامل انسان:** انسان از نظر اسلام جنبه های مختلف دارد. او از یکسو مانند دیگر موجودات زنده مراحل رشد را طی می کند و از سوی دیگر، جنبه های معنوی و فکری،



او را از دیگر حیوانات متمایز می سازد. (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۱۵۴) بنابراین توجه به ابعاد مختلف جسمی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی لازم است. در معراج السعاده نیز کمال انسان در اعتدال و میانه روی در انجام کارها و صفات انسانی تلقی شده است: «نهایت کمال و غایت سعادت از برای هر شخص، اتصاف اوست به صفت عدالت و میانه روی در جمیع صفات و افعال ظاهره و باطنه» (نراقی، ۱۳۸۵: ۸۴) شیخ شهاب الدین سهروردی، سعادت و کمال انسان را در رسیدن به مرتبه تجرد از مادیات می داند؛ یعنی مرحله ای که روح انسان به بدن تعلق ندارد و به عالم اعلیٰ اتصال یافته است (گرامی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

۳- پرورش نیروی تفکر: پرورش نیروی تفکر و قدرت عقلانی، از جمله هدف های اساسی نظام تربیتی اسلام است. خداوند مردم را به تفکر درباره آفرینش جهان ترغیب می کند؛ چنان که در آیه ۱۹۱ سوره آل عمران آمده است: «الَّذِينَ يَذُكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَرُكُوعًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». پیامبر (ص) نیز یک ساعت فکر کردن را با ارزش تر از هفتاد سال عبادت می داند. حضرت علی (ع) تفکر را از علم و دانش با ارزش تر تلقی می کند (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۱۶۵) با توجه به آیات و احادیث در مورد اهمیت تفکر در اسلام، آموزش و پرورش نیز باید در تدوین اهداف برای دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی، شیوه تفکر را در برنامه درسی بگنجانند و از حافظه پروری و محفوظات بیشتر خودداری کند.

۴- پرورش شخصیت اخلاقی: اگر اخلاق را (چه از لحاظ فردی و چه از نظر جمعی) عبارت از اصول، معیارها، آرمان ها و حرکت به سوی کمال مطلق بدانیم، در این صورت مکتب اسلام یک مکتب اخلاقی محسوب می شود. پیامبر اسلام (ص) می فرماید: بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: برای تکمیل فضیلت های اخلاقی مبعوث شده ام. (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۱۶۶) تعلیم و تربیت اسلامی که مسئولیت انجام رسالت انبیا را بر عهده دارد برای پرورش اخلاقی افراد باید اهدافی را برای رهایی آنان از جاذبه های امیال نفسانی در نظر بگیرد تا آنها بتوانند امیال و آرزو های خود را در مسیری رهبری نمایند که خداوند تعیین کرده است.



برخی از اهداف تربیت اخلاقی از نظر اسلام عبارت انداز:

- شناخت نفس و توجه به کرامت آن (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۶۲)؛

- تهذیب نفس از رذایل و عادت های ناپسند (ری شهری، ۱۳۶۲: ۲۴۸)؛

- ایجاد روحیه صبر و مقاومت در برابر سختی ها (عنکبوت، آیه ۲)؛

- محاسبه و ارزیابی اعمال نیک و بد در زندگی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷)؛

- تقویت احساس مسئولیت و تعهد در برابر خدا و مردم (پاینده، ۱۳۸۵: ۴۵۷).

۵- **هدف های علمی - آموزشی:** در این زمینه می توان به تقویت روح مطالعه، بررسی، تحقیق و ابتکار در تمام زمینه های علمی و فنی با اتکا به فلسفه اسلامی اشاره نمود. (ابراهیم زاده، ۱۳۹۱: ۲۴۳) همچنین استفاده از علوم و فنون بشری به منظور شناخت اسرار جهان آفرینش و پی بردن به عظمت خالق هستی در ایجاد نظم والگوهای منطقی در وجود تمام ذرات هستی و استفاده از فناوری هادر تأمین آسایش زندگی مردم، به عنوان اهداف علمی - آموزشی در تربیت اسلامی است.

**ج- هدف های تربیتی که در آنها دیگران محور توجه اند**

۱- هدف های فرهنگی: یکی از مسئولیت های تعلیم و تربیت در جامعه، حفظ آثار ارزشمند فرهنگی و انتقال آن به نسل های آینده است؛ به بیان دیگر تعلیم و تربیت وسیله ارتباط میان نسل های گذشته، حال و آینده است که دستاوردها و تجارب نسل های پیشین را در اختیار نسل های کنونی و آینده می گذارد.

برخی از اهداف فرهنگی در تعلیم و تربیت اسلامی عبارت اند از:

- شناخت و پذیرش فرهنگ اسلامی و تلاش برای حفظ و گسترش آن (صالحی و یار احمدی، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۷)؛

- شناخت، پرورش و هدایت ذوق و استعداد های هنری و زیبایی شناسی به مثابه وجهی از وجوه فطرت انسان؛

- شناخت هنر اسلامی، ملی، جهانی و پرورش روحیه حفظ میراث های هنری؛

- شناخت تاریخ، فرهنگ و ترویج سنن پسندیده و دفع فرهنگ های منحط و خرافی (ابراهیم زاده، ۱۳۸۷: ۲۴۴).

. (۲۴۴)



۲- هدف های اجتماعی: موفقیت و سعادت انسان در سایه گرایش اجتماعی و روح جمعی انسان حاصل می شود. تعلیم و تربیت در این مورد وظیفه و مسئولیت خطیری برای نیل به آن برعهده دارد.

### برخی از اهداف اجتماعی تعلیم و تربیت اسلامی عبارت اند از:

- پرورش روح عدالت خواهی: عدل در نظام اسلامی باید در تمام شئون زندگی مراعات شود. در جامعه، عدالت پایه و اساس حیات جمعی را تشکیل می دهد؛ چنان که در آیه ۹۰ سوره نحل آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ خداوند شما را به عدل و نیکی و بخشش به خویشاوندان امر می کند و شما را از انجام کارهای زشت و ناشایست و ظلم نهی می نماید و به شما پند می دهد، شاید شما پندگیرید (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

- احترام به افراد و مراعات حقوق دیگران (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۷)؛

- خدمت به مردم و رفع نیازهای آنان (شیخ صدوق، بی تا: ۷۰)؛

- پرورش روحیه احترام به قانون و التزام به رعایت آن و دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر به مثابه وظیفه اجتماعی با استفاده از قول احسن؛

- پرورش روحیه نظم و انضباط، مسئولیت پذیری فردی و جمعی و اهتمام به امور جامعه اسلامی؛

- ایجاد و پرورش روحیه انتقاد پذیری، سعه صدر، تحمل آرا و اندیشه های دیگران در برخورد اندیشه ها؛

- پرورش روحیه گذشت، فداکاری و ایثار در روابط اجتماعی (صافی، ۱۳۹۱: ۱۵).

- دوستی با ملل دیگر: اسلام نه تنها اصل همزیستی مسالمت آمیز را توصیه می کند، بلکه از این مرحله پا فراتر نهاده و ایجاد دوستی و محبت با اقوام و ملل دیگر را تشویق می نماید.

خداوند در آیه ۸ سوره ممتحنه می فرماید: «خداوند شما را از دوستی به آنهایی که در کار دین با شما جنگ نکرده اند و شما را از خانه هایتان بیرون نراندند، باز نمی دارد. بلکه به شما توصیه می کند که با آنها از روی عدالت رفتار کنید؛ زیرا خداوند عادلان را دوست دارد»



( شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۱۶۴-۱۶۵).

در تعلیم و تربیت اسلامی باید زمینه های اجرای اهداف فوق با توجه به جامعه مورد نظر توسط مسئولان نهادهای مربوطه به ویژه آموزش و پرورش و معلمان در کلاس های درس فراهم شود.

۳- **هدف های سیاسی و نظامی:** منظور از هدف تربیتی در زمینه سیاسی، همان روح تربیتی حاکم بر ارتباطات سیاسی در جهان اسلام است نه بیان اهداف سیاسی از نظر اسلام و منظور از قدرت سیاسی در اسلام صرفاً به عنوان وسیله ای برای اجرای قوانین انسانی و الهی و دستیابی به عناصر ارزشمند بوده است (اعرافی، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۲۰۱). در اسلام جهاد به خودی خود هدف نیست، بلکه وسیله ای است برای رسیدن به آرمان های الهی. بنابراین باید به آموزش فنون نظامی و ایجاد آمادگی جسمانی ورزشی در افراد جامعه اقدام شود.

#### برخی از اهداف آموزش سیاسی و نظامی در تعلیم و تربیت اسلامی عبارت اند از:

- حفظ دین و ارزش های الهی در جامعه (صالحی، یاراحمدی، ۱۳۸۷: ۳۶)؛
- شناخت ترندهای استعمار و استکبار جهانی و ضرورت مبارزه با آن (صافی، ۱۳۹۱: ۱۶)؛
- پاسداری از استقلال و آزادی (اعرافی، ۱۳۹۰: ۲۰۱-۲۰۲).
- ایجاد روحیه اعتقاد به برابری انسان ها در جهت تحقق الفت و وحدت فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی مسلمانان؛

- آموزش فنون نظامی و پرورش روحیه سلحشوری به منظور تقویت بنیه دفاعی کشور و حفظ

#### کیان اسلام

- ارتقای بینش سیاسی در زمینه های مختلف برای مشارکت آگاهانه در سرنوشت کشور و جهان اسلام (ابراهیم زاده، ۱۳۸۷: ۲۴۴-۲۴۵).

۴- **هدف های اقتصادی:** بشر در رفتار اقتصادی از الگوهای خاص تولید، توزیع و مصرف پیروی می کند. این الگوهای سه گانه تعیین کننده بسیاری از رفتارهای اوست و بخش قابل ملاحظه ای از زندگی روز مره او را به خود اختصاص می دهد. ارتباط اسلام با مقوله اقتصاد به دو صورت است: اول- ارتباط مستقیم: اسلام به عنوان تعیین کننده مسیر زندگی، دستورها



و قوانین خاصی درباره مسائل اقتصادی از قبیل مبادلات، مالیات و ارث دارد. دوم ارتباط غیر مستقیم: این ارتباط از طریق تربیت و اخلاق است. اسلام مردم را به امانت، عدالت، احسان، ایثار، انفاق و پرهیز از دزدی، خیانت، رشوه و ربا سفارش می کند که این قبیل مفاهیم در حوزه مسائل اقتصادی قرار می گیرد. بنابراین، اصل کلی در نظام اقتصادی اسلام، نیل به عدالت اجتماعی و رفاه عمومی است. نه تنها رفع نیازهای بشر بلکه رفع نیازها در جهت خاصی، یعنی تحقق عدالت اجتماعی و تأمین رفاه برای همه مورد نظر است (اعرافی، ۱۳۹۰: ۱۹۵-۱۹۴).

### برخی از اهداف اقتصادی در تعلیم و تربیت اسلامی عبارت اند از:

- شناسدن ارزش و قداست کار و معاش حلال و پرورش روحیه مبارزه با بطالت؛
- ایجاد روحیه قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر و مصرف زدگی؛
- پرورش روحیه اجتناب از بهره کشی اقتصادی، احتکار، اجحاف، ربا، مشاغل خلاف مصالح جامعه اسلامی و داشتن روحیه مبارزه با این افراد (ابراهیم زاده، ۱۳۸۷: ۲۴۵)؛
- پرورش روحیه انفاق و دستگیری از محرومان (صافی، ۱۳۸۴: ۱۷).

### د- هدف های تربیتی که در آن طبیعت، محور توجه است

- ۱- شناخت طبیعت: شناخت طبیعت در اسلام از دو جهت قابل بررسی است: اول اینکه شناخت عوامل طبیعی و نظم حاکم بر آن راهی به سوی شناخت پروردگار جهان است؛ شناخت طبیعت به طور جزئی و کشف قوانین حاکم بر آن سبب توانمندی انسان و بالطبع گسترش قدرت و حضور او در اجتماع می شود (اعرافی، ۱۳۹۰: ۲۰۶).

### برخی از اهداف شناخت طبیعت در تعلیم و تربیت اسلامی عبارت اند از:

- مشاهده پدیده های خلقت به منظور شناخت آیات الهی؛
- کنجکاوای در مورد محیط پیرامون از قبیل گیاهان و جانوران؛
- سؤال در مورد خلقت روز و شب و زمین و آسمان؛

- ۱- شناختن محیط زیست و منابع خدادادی (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰: ۴۲-۵۹).
- ۲- بهره برداری صحیح از طبیعت: زیاده روی و لجام گسیختگی در استفاده از طبیعت و ضایع کردن منابع طبیعی، موجب اضمحلال طبیعت می شود و نسل های آینده را از نعمت های عظیم الهی محروم می سازد. بنابراین استفاده و بهره برداری از طبیعت به نحو صحیح و مناسب با احتیاجات، یکی از اصولی است که باید همواره مد نظر قرار گیرد (اعرافی، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

### برخی از اهداف بهره برداری صحیح از طبیعت در تعلیم و تربیت اسلامی عبارت اند از

- پرهیز از تخریب طبیعت و هدر دادن منابع؛
- استفاده عاقلانه از منابع؛
- حفظ گیاهان، جانوران و چشم اندازهای طبیعی؛
- تلاش در پاکیزه نگه داشتن محیط زیست (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰: ۴۲-۵۹).

### روش های تعلیم و تربیت در اسلام

یکی از ویژگی های نظام تربیتی اسلام، تنوع روش های تربیتی آن است. در مکتب اسلام برای تربیت افراد از روش های گوناگون استفاده می شود که در این مقاله به اکثر روش های مهم تربیتی اشاره می شود:

- ۱- زمینه سازی تربیتی: یکی از مهم ترین روش های تربیت اسلامی، زمینه سازی تربیتی است؛ یعنی ایجاد زمینه سالم تربیتی برای افراد جامعه که حتی شامل زندگی قبل از تولد هم می شود. روی همین اصل نقش وراثت در تربیت اسلامی به صورت جدی مطرح شد. (سلطان القرائی، ۱۳۸۴: ۱۴۰). روش تغییر موقعیت، یکی از موارد زمینه سازی تربیت است که در آن شرایط مختلف زمانی، مکانی و اجتماعی مبدأ تأثیر گذاری های متفاوت بر انسان است، برای ایجاد حالات مطلوب در فرد لازم است روابط او با شرایط مزبور را دچار تغییر سازیم (باقری، ۱۳۹۰: ۱۳۹)؛ یعنی گاهی برای تربیت کودک و جلوگیری از انحراف، باید مکان تربیتی تغییر کند. گاهی برای تأثیر گذاری در وی، باید زمان تربیت، متناسب با رشد و شرایط احوالی کودک



باشد و گاهی برای تأثیر مثبت تربیت، باید شرایط مناسب اجتماع توسط حکومت برقرار گردد و جلوی فساد گرفته شود.

۲- تلفیق علم و عمل: طبق تحقیقات روان شناسان، شاگردان در اکثر موارد از عمل معلم پیروی می کنند نه از گفته او؛ به سخن دیگر اگر معلم در باره روح علمی یا قضاوت منطقی بحث کند، اما در عمل، روح علمی را در اظهار نظرهای خود رعایت ننماید، شاگردان بیشتر تحت تأثیر نحوه اظهار نظر او قرار می گیرند تا گفته او. از لحاظ تربیتی کردار معلم بیشتر از گفتار او در آموزش مؤثر است. طبق فرمایش حضرت علی (ع) در نهج البلاغه (اوضَع العِلْمَ ما وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَ أَرْفَعَهُ ما ظَهَرَ فِي الجَوَارِحِ وَ الأَرْكَانِ)، پست ترین یا بی ارزش ترین مرتبه دانش، در سطح زبان متوقف می شود و عالی ترین مرتبه آن، دانشی است که در رفتار یا جوارح و ارکان وجود فرد ظاهر گردد. (شریعتمداری: ۱۶۷-۱۷۰) علامه طباطبائی نیز روش آموزشی قرآن را روش عملی دانسته و بر آن تأکید کرده است. وی روش عملی را مؤثر ترین روش ها در تعلیم و تربیت معرفی کرده است (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۴۰۹).

۳- روش الگو دهی: رفتار و چگونگی سجایای اطرافیان کودک، در تکوین شخصیت و رفتار وی تأثیر فراوان دارد. بنابراین کانون خانواده، اولین و مهم ترین سرمشق زندگی کودک است. اگر کودک از پدر و مادر و یا سایر اعضای خانواده، مهر، محبت، صداقت، دوستی و ... را ببیند، رفتار محبت آمیز و با صداقت را پیشه خواهد ساخت. اگر برعکس، ریا، تزویر، دورویی، عدم صداقت، بی مهری و .. ملاحظه کرد، طبیعتاً آنها را سرمشق خود قرار خواهد داد. پس تأثیر گفتار، اعمال و شخصیت الگوهای تربیتی مربیان را نباید در شکل گیری رفتار و منش متریبان به فراموشی سپرد. انسان موجودی است که غریزه تقلید را در نهاد خویش دارد، روش الگو پذیری هم از غریزه تقلید وی سرچشمه می گیرد. (سلطان القرائی، ۱۳۸۴: ۱۴۳) بنابراین، مربیان تعلیم و تربیت در جامعه اسلامی باید خود الگوی مناسبی برای متریبان خود باشند. البته اقتدا و تبعیتی نیکوست که فرد با آگاهی و شناخت از یک الگوی نیکو تبعیت و پیروی کند؛ پیروی و الگو گیری کور کورانه در اسلام مذمت شده است.



۴- **روش مباحثه ای**: روش مباحثه ای در تربیت اسلامی، یکی از روش های تعلیم و تربیت است؛ بطوری که این روش باعث تعمیق یادگیری در یادگیرندگان می شود. آیه ۱۲۵ سوره نحل نیز به این روش تعلیم و تربیت اشاره دارند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». مردم را از طریق حکمت (سخن منطقی)، اندرز نیکو و بهترین طریق بحث به راه خدا دعوت کن. با توجه به تفسیر علامه طباطبائی، این آیه، مباحثه را به طور مطلق سفارش نمی کند، بلکه با شرط «بهترین طریق» می پذیرد. این شرط به دلیل نجات از پرتگاه های اخلاقی ای است که در این روش ممکن است ظهور یابد؛ مانند تظاهر، کبر، حسد، کینه، لجاجت، عیبجویی، خروج از انصاف در قضاوت، گفتار نابه جا و حرام، رعایت نکردن حقوق دیگران و... معلم باید با یادآوری این نکته که هدف مباحثه و گفت و گو تنها یادگیری و کشف حقایق است، دانش آموزان را از خطرهای این پرتگاه برحذر سازد (صالحی، یار احمدی، ۱۳۸۷: ۳۹-۴۰).

۵- **رعایت تفاوت های فردی و مراتب رشد در فرایند یاددهی - یادگیری**: آموزش و تدریس باید با سن زمانی و عقلی و همچنین درجه رشد و استعداد شاگردان هماهنگ باشد. امام محمد غزالی به اختلاف بین ادراک کودکان و بزرگسالان اشاره می کند و می گوید:

«نخستین وظیفه مربی این است که آنچه را کودک می تواند بفهمد، به او بیاموزد؛ زیرا آموزش موضوع های دشوار، موجب کندی رشد ذهنی کودکان و نفرت او از علم می شود.» ابن سینا هم عقیده دارد که هر آنچه کودک می طلبد و به آن گرایش دارد، برای وی ممکن نیست، بلکه باید به او مطالبی را یاد داد که با ذوق و فهمش سازگار باشد (ابراهیم زاده، ۱۳۸۷: ۲۵۹). با توجه موارد مذکور مطالب درسی باید متناسب با رشد (عقلی، عاطفی، اجتماعی و بدنی) دانش آموز باشد.

۶- **روش عقلانی در تربیت اسلامی**: پایه و اساس نظام تربیتی اسلام، بر تعقل و فهم استوار است. از نگاه علامه طباطبائی، خداوند متعال در قرآن کریم بیش از سیصد بار انسان ها را به استفاده و بهره جستن از این نیروی خدادادی دعوت کرده است که از جمله آنها، خلقت آسمان ها و زمین، وجود معاد، صفات خداوند، مباحث توحیدی، یادآوری نعمت ها و... می باشد.

(طباطبائی ۱۴۱۷ق: ۵۷) در روش تعقل، معلم قوای ذهنی دانش آموزان را به فعالیت برمی انگیزد و



فعالیت های ذهنی آنها را در جهت یافتن راه حل مناسب مسائل و کشف مجهولات تنظیم و هدایت می کند. این روش به دو شکل استقرایی و قیاسی انجام می پذیرد که هر کدام جایگاه خاص و مورد استفاده معینی دارد. در علوم طبیعی بیشتر سبک استقرایی و در ریاضی، سبک قیاسی معمول است (صالحی، یار احمدی، ۱۳۸۷: ۴۰).

۷- **مشاهده:** قرآن در تعلیم جزئیات معارف دینی و علوم سودمند به مردم، پای حواس را به میان کشیده است، عباراتی مانند ((آیا ندیدی))، ((آیا نمی بینید))، ((آیا دیدید))... را در آیات متعدد به کار برده است. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۵۰۹) معلم باید امکان مشاهده عینی پدیده ها، آثار و مناظر مربوط به درس را برای دانش آموزان، به ویژه در درس علوم تجربی، فراهم کند و آن مشاهده را مقدمه ای برای تفکر و تجزیه و تحلیل عقلانی قرار دهد.

۸- **امر به معروف و نهی از منکر:** امر به معروف و نهی از منکر نسبت به افراد، شرایط و موضوعات به صورت های گوناگون اجرا می شود. گاهی عمل فرد متخلف به صورتی است که باید آن را زشت شمرد و رد کرد. گاهی فرد در موقعیتی قرار دارد که آشکارا نمی تواند عمل فرد متخلف را مورد سرزنش قرار دهد. در این صورت، تنفر درونی نسبت به این عمل و سکوت در برابر فرد متخلف یا ترک محل، یک نوع اعتراض است. خلاصه اینکه شیوه های امر به معروف و نهی از منکر با توجه به شرایط متفاوت است، اما نکته مهم این است که روش مزبور، یکی از شیوه های تربیتی اسلام است. وقتی فردی، تخلف دیگری را مشاهده دید، در خود احساس مسئولیت می کند و می خواهد متخلف را از انجام عمل ناپسندیده باز دارد. همین احساس مشترک هم فرد را از ارتکاب کارهای ناپسندیده باز می دارد و هم جمع را از دست زدن به اعمال ناروا منع می کند. روی این زمینه امر به معروف و نهی منکر هم از لحاظ فردی جنبه تربیتی دارد و هم از لحاظ جمعی (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۱۹۹-۲۰۱).

در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران نیز امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از شیوه های تربیتی ذکر شده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و باید از میان شما گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند

و از زشتی بازدارند و آنان همانا رستگاران اند.

۹- پاداش و تنبیه: انسان طبیعتاً از پاداش لذت می برد و از تنبیه روی گردان است. همین گرایش سبب ترغیب انسان به انجام کارهای خوب و خود داری از انجام کارهای ناپسند می شود. تجربیات آدمی در طول تاریخ تأثیر پاداش و تنبیه را تأیید می کند. در اسلام نیز اصل تشویق و تنبیه به صورت های گوناگون مطرح شده است. در قرآن کریم و منابع معتبر اسلامی از بهشت و دوزخ، سود و زیان، خیر و صلاح، شر و بدبختی و سرانجام خوب و عاقبت وخیم، به عنوان نمونه هایی از پاداش و تنبیه سخن به میان آمده است. (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۲۱۳-۲۰۹) نمونه ای از تنبیه گناهکاران در آیه ۱۴ سوره نساء آمده است: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ»: و هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید، وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت آور است. در برخی از آیات، آثار مجازات ها بیان شده است؛ چنان که در آیه ۱۷۹ سوره بقره می خوانیم: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»: ای خردمندان! در اجرای قصاص حیات شما حفظ خواهد شد. در بسیاری از آیات قرآنی ایمان و عمل نیکو موجب اخذ پاداش بزرگ یا رستگاری تلقی شده است؛ چنان که در آیه ۸ سوره لقمان آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ»: در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، باغ های پر نعمت خواهند داشت. در برخی آیات قرآنی نیز بر جنبه تربیتی تأکید شده است؛ چنان که در آیه ۹ و ۱۰ سوره شمس می خوانیم: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»: آنکه خود را تزکیه و تربیت کرد، رستگار می شود و آنکه خود را تباہ کرد، زیانکار است.

۱۰- روش عادت: علمای اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی، یکی دیگر از روش های تعلیم و تربیت را عادت دادن به انجام عمل نیکو دانسته اند و برای آن، نقش مهمی قایل شده اند. حتی بعضی از علمای تعلیم و تربیت، فن تربیت را فن عادت دادن دانسته اند. حضرت علی (ع) می فرماید: «الْعَادَةُ طَبْعُ ثَانٍ»: عادت طبیعت ثانوی است. مریبان بزرگ مشرق زمین مانند خواجه نصیر



طوسی و غزالی و یا مربیان مشهور غرب مانند جان لاک درباره نقش عادت در تربیت، مسائلی را مطرح کرده و چه بسا تربیت را مبتنی بر عادت دانسته اند. جان لاک می گوید: «اعمال خوب به تنهایی کافی نیستند، دانش آموز باید اعمال خوب را آن قدر تکرار کند که جزء عادات خوب بشوند؛ زیرا عادت، همیشه آسان تر از خرد عمل می کند» (سلطان القرائی، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

۱۱- **روش مرحله ای کردن تکلیف:** خدواند در مقام تربیت، انجام پاره ای از تکالیف را به جای آنکه یکباره و به تمامی در خواست کند، به تدریج در چند مرحله به میان آورده است و در پایان، صورت کامل تکلیف را مطرح ساخته است. مثل تحریم شرب خمر و ربا که در قرآن در چندین مرحله و به تدریج ممنوع و حرام شده است. (تحریم ربا در سوره های روم (آیه ۳۹)، آل عمران (آیه ۱۳۰) و بقره (آیه ۲۷۹) به تدریج از لحن ملایم تا شدید به کار رفته است). پس به مقتضای این روش، مربی باید پاره ای از تکالیف را که مایه زحمت است، در چند مرحله تنظیم کند و آنها را به تدریج به کودک ارائه نماید (باقری، ۱۳۹۰: ۲۲۳-۲۵۳).

۱۲- **روش تجدید نظر در تکالیف:** طبق این روش اگر ضعف متربی در به دوش گرفتن تکلیف عملاً آشکار شد، باید مربی فروتر آید و آسان تر بگیرد و پس از تجدید نظر، تکلیف تازه ای به او دهد. خدواند از اینکه در دستور اولیه اش تجدید نظر کند (مثل تجدید نظر در مورد حکم حرمت مباشرت با همسران در ماه رمضان مندرج در آیه ۱۸۷ سوره بقره)، شرم نکرده و این را وهنی به ساحت خویش ندیده است. پس به طریق اولی ما نیز در مقام تربیت نباید از تجدید نظر ابا داشته باشیم و آن را خلاف شأن خویش بدانیم (باقری، ۱۳۹۰: ۲۲۵-۲۲۶). البته به غیر از روش های فوق در قرآن کریم از روش پند و اندرز مثل نصیحت لقمان به فرزندش، ذکر مثال مانند تشبیه وضعیت مشرکان به خانه عنکبوت، قصه و سرگذشت اقوام و ملل مختلف مثل داستان پیامبران و پیروان آنها، دعا و نیایش، توبه و... برای تربیت و هدایت انسان ها آیات متعددی بیان شده است (شریعتمداری، ۱۳۹۰: ۲۱۵-۲۲۸).

## نتیجه گیری

با توجه به اعتقاد مسلمانان به معاد و سرانجام هستی، آشنایی با اهداف و روش های تعلیم و تربیت در اسلام از ضرورت های غیر قابل انکار برای هدایت صحیح افراد جامعه به سوی مسیر سعادت است؛ چرا که بدون شناخت کافی از اهداف و روش های تعلیم و تربیت اسلامی، امکان انحراف افراد از مسیر پر پیچ و خم زندگی دنیوی برای رسیدن به آخرت وجود دارد. در این مقاله سعی شده تا اهداف تعلیم و تربیت اسلامی در سطوح مختلف و راهکارهای لازم برای رسیدن به آنها بیان گردد.

با توجه به نتایج پژوهش، اهداف تعلیم و تربیت در اسلام دارای مراتب مختلف، شامل اهداف غایی (عبودیت، قرب و رضوان الهی و حیات طیبه) و اهداف واسطه ای (محوریت توجه به خدا، فرد، دیگران و طبیعت) هستند که در نهایت تمامی آنها برای حصول به اهداف غایی تنظیم شده اند. روش های تربیت اسلامی (زمینه سازی تربیتی، تلفیق علم و عمل، الگودهی، مباحثه ای، توجه به تفاوت های فردی، عقلانی، مشاهده، امر به معروف و نهی از منکر، پاداش و تنبیه، عادت، مرحله ای و تجدید نظر در تکالیف) وابسته به شرایط زمانی، مکانی و تفاوت های فردی، متنوع است. که این خود کار مریبان تعلیم و تربیت را در شناسایی موقعیت ها و اعمال روش های صحیح تربیتی، دوچندان حساس می کند تا از اعمال روش های نسجیده خوداری کنند. بطوری که گاهی کوچک ترین اشتباه در روش های تربیتی، منجر به تربیت نامطلوب متربی و گاهی یک سخن یا رفتار نسجیده، موجب گمراهی جامعه ای می شود. به همین منظور افرادی که با تعلیم و تربیت کودکان و افراد جامعه سرو کار دارند، باید با آگاهی از اهداف و روش های تعلیم و تربیت اسلامی، اقدام به چنین کار حساسی نمایند. موردی که شیوه تعلیم و تربیت اسلامی را شاید آسان می کند، این است که تمامی اهداف و روش های تربیتی اسلام، برای رسیدن به قرب و رضوان الهی است و این هدف مشترک، به عنوان یک راهنما و نقطه تمیزی از تعلیمات سایر مکاتب فلسفی می باشد.

همچنین چون اهداف و روش های تعلیم و تربیت از منابع اسلامی استخراج شده و منابع



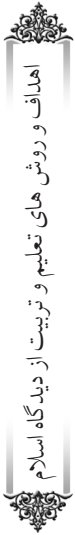
اسلامی سرچشمه وحی دارند، بنابراین می توان گفت که این اهداف و روش ها به عنوان چراغ هدایت تمامی بشریت برای رسیدن به کمال در تمامی جنبه ها (عقلی، اجتماعی، عاطفی و جسمانی) قابل اعمال است و با تکامل دانش بشر نیز از اهمیت آن ها کاسته نمی شود؛ چون پشتوانه آنها تنها عقل ناقص بشر نیست که به مرور زمان تکامل یابد، بلکه سرچشمه ای متصل به علوم لایزال و نامتناهی خداوندی دارد. بنابراین برای بررسی مکاتب فلسفی (کلاسیک و معاصر) از لحاظ هدایت انسان ها در مسیر صحیح زندگی می توان اهداف و روش های آنها را با اهداف و روش های دیدگاه اسلام مقایسه کرده معتبر یا نامعتبر بودن آنها را در نشان دادن طریق سعادت بشری سنجید. همچنین فلاسفه و اندیشمندان جدید نیز می توانند در ارائه مکاتب تربیتی جدید، با معیار قرار دادن دیدگاه اسلام، از انحراف در ارائه اهداف و روش های تربیتی مصون مانده و با اطمینان نسبت به الگوهای پیشنهادی خود، افراد و جامعه را در مسیر صحیح زندگی مادی و معنوی هدایت نمایند.

### پیشنهادهای کاربردی

- ۱- توجه به جنبه های مختلف اهداف واسطه ای در تدوین اهداف تعلیم و تربیت، برای تحقق اهداف غایی؛
- ۲- فراهم کردن شرایط لازم برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت؛
- ۳- اهمیت دادن به بعد عملی و کاربردی در درآموزش علوم و اخلاق؛
- ۴- تلاش برای تربیت معلمان با صلاحیت و متدین که وجودشان الگوی اثر بخش در تربیت دینی باشد؛
- ۵- استفاده از روش مباحثه ای در ارائه دروسی که بیان نظریات افراد در آن می تواند مفید باشد، همچنین در خصوص مسائل اعتقادی، دینی و پاسخگویی به شبهات موجود؛
- ۶- تناسب اهداف و روش های تربیت با علایق و توان افراد در گروه های سنی مختلف؛
- ۷- استفاده از روش های عقلانی در آموزش مفاهیم علوم انسانی و مشاهده درآموزش مفاهیم علوم تجربی؛



- ۸- اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح جامعه و اهمیت دادن به سرنوشت افراد؛
- ۹- تشویق و تنبیه به موقع و متناسب با اعمال، برای هدایت صحیح افراد در مسیر تربیت؛
- ۱۰- استفاده از روش عادت در آموزش به افراد سنین پایین و مهارت های عملی؛
- ۱۱- باتوجه به تأثیر تدریجی تربیت در رفتار افراد، مرحله ای کردن تکالیف برای رسیدن به اهداف مورد نظر.





## منابع و مأخذ

## قرآن کریم

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۷)؛ فلسفه تربیت؛ تهران: انتشارات پیام نور.
- ۲- اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷)؛ اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. تهران: سمت.
- ۳- باقری، خسرو (۱۳۹۰)؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ جلد اول؛ تهران: انتشارات مدرسه
- ۴- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)؛ نگاشت پنجم؛ تهران: دبیرخانه طرح تولید برنامه درسی ملی.
- ۵- بهشتی، سعید (۱۳۹۰)؛ کاوش هایی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای شماری از دیدگاه های معرفت شناختی صدرالمتهلین؛ فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی؛ سال هفتم، شماره ۲۶.
- ۶- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵)؛ نهج الفصاحه؛ تهران: انتشارات لولومرجان.
- ۷- تقوی نسب، سید نجمه و دیگران (۱۳۸۸)؛ ضرورت نوآوری در روش های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی؛ دو فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی؛ سال چهارم، شماره ۹.
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تهران: انتشارات آرایه.
- ۹- ری شهری، محمد (۱۳۶۲)؛ میزان الحکمه؛ ج ۲، ۸، ۱۰؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی
- ۱۰- سلطان القرائی، خلیل (۱۳۸۴)؛ فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی؛ تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۱۱- شریعتمداری، علی (۱۳۹۰)؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران: امیر کبیر.
- ۱۲- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۰)؛ فلسفه آموزش و پرورش؛ چاپ دهم؛ تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۱۳- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۷)؛ تعلیم و تربیت و مراحل آن؛ مشهد: به نشر.



- ۱۴- شمشیری، بابک (۱۳۸۷)؛ جهانی شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم و عرفان اسلامی؛ فصلنامه دانشور رفتار؛ دانشگاه شاهد؛ سال پانزدهم، شماره ۳۰.
- ۱۵- صابری یزدی، علیرضا (۱۳۸۸)؛ **الحکم الزاهره**؛ قم: انتشارات نشر اسلامی.
- ۱۶- صافی، احمد (۱۳۹۱)؛ آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه؛ تهران: سمت.
- ۱۷- صالحی، اکبر و یار احمدی، مصطفی (۱۳۸۷)؛ **تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبائی با تأکید بر هدف ها و روش های تربیتی**؛ فصلنامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی؛ سال سوم، شماره ۷.
- ۱۸- صدوق، محمد بن بابویه (بی تا)؛ **مصادقه الاخوان**؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۱۹- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۳)؛ **تفسیر المیزان**؛ ترجمه محمد باقر موسوی همدانی؛ نشر احرار.
- ۲۰- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)؛ **تفسیر المیزان**؛ ج ۳؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۱- کاویانی، محمد (۱۳۸۹)؛ **تربیت اسلامی** (گذری از اهداف کلی به اهداف رفتاری)؛ فصلنامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم؛ سال اول، شماره ۳.
- ۲۲- گرامی، غلامحسین (۱۳۸۵)؛ **انسان در اسلام**؛ قم: نشر معارف.
- ۲۳- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)؛ **بحار الانوار**؛ ج ۷۵، ۷۴، ۷۰، ۱. تهران: انتشارات آخوندی.
- ۲۴- نراقی، ملا احمد (۱۳۸۵)؛ **معراج السعاده**؛ چاپ پنجم؛ قم: هجرت.
- ۲۵- نهج البلاغه (۱۳۷۹)؛ ترجمه دشتی، محمد؛ قم: انتشارات پارسایان.
- سایت اینترنتی پایگاه اطلاع رسانی حوزه به نشانی:

26- <http://www.hawzah.net/fa/question/questionview/2671?ParentID=83918:2013>

27- <http://www.kasnazan.com/article.php?id=773:2013>